

متن پرسش

سلام بر استاد: استاد عزیز! جوانی هستم که سینه ام از نفس کشیدن در این هوای ظلمانی آخرالزمانی به تنگ آمده. استاد! ما جوانانی که غرق گناهییم به کجا پناه ببریم؟ حتماً می‌گویید به انقلاب اسلامی پناه ببرید! حتماً می‌گویید شهید حججی هم جوانی بود مثل شما؟ ولی استاد شما را به خدا... خدا می‌داند که برای سوریه هم اقدام کردم و تمام آموزش‌ها را گذراندم ولی تا پای هواپیما بردندم و من را جا گذاشتند. آری به قول شهید آوینی: گناهکاران را در این قافله راهی نیست... به کجا پناه ببریم؟ در خانه گناه. در میهمانی گناه و غیبت. در ماشین، موسیقی و آهنگ. در حوزه و در حجره و در خلوت گناه... به کجا پناه ببریم از مدح‌هایی که آدم را ذبح می‌کند؟ استاد عزیز! کار ما جوانان از سیر مطالعاتی و شرح و صوت گذشته. ما را دست به سر نکنید. کربلائیان به حسین علیه السلام پناه بردند. شهدای جنگ تحمیلی به جبهه پناه بردند. شهید حججی به حضرت زینب سلام الله علیها پناه برد. ولی ما جوانان غرق شده در گرداب آخرالزمان به کجا پناه ببریم؟ حتماً می‌گویید: گفتم شراب وصل به اوباش می‌دهند؟ / خندید و گفت بنده باش... می‌دهند. ولی در این زمانه ای که همه چیز را می‌پرستن الا خدا، اگر نخواهی هم گناه کنی، به زور هم که شده آلوده ات می‌کنند. تا دیر نشده به دامن برس. همین یک ذره محبتی هم که از خدا و اهل بیت علیهم السلام در دلمان مانده، دارد از دست می‌رود. استاد! تو را به خدا به ما بگو که چگونه: آشنایان ره عشق در این بحر عمیق / غرقه گشتند و نگشتند به آب آلوده؟ ما که هم غرق شدیم و هم آلوده.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به این همت پناه ببر که می‌خواهی در این ظلمات آخرالزمانی پاک باشی! و اگر به گناه آلوده شدی، به ادامه‌ی آن راضی نیستی! زیرا: گمان می‌کردیم در سطره‌ی فرهنگ سکولاریته‌ی مدرن که در حاکمیت نظام شاهنشاهی بر ما گسترش یافته بود، اسلامیت ما در حال رفتن خواهد بود. در حالی که با حضور انقلاب اسلامی معلوم شد اسلام به سوی ما می‌آید و همین گمان را ممکن است در مورد انقلاب اسلامی داشته باشیم غافل از این که انقلاب اسلامی سنت تاریخ ما است و به ما سپرده شده و ما، احواله به آن هستیم. ممکن است گمان کنیم ماشین ما واقعی‌تر از ایده‌ی انقلاب اسلامی در این تاریخ است، در حالی که ایده‌ی آن انقلاب بدون آن که مستقیماً با ما سخن بگوید، ما را در سنت خود فرا گرفته و از بی‌تاریخی حفظ می‌کند. دیدگاهی که رخدادهای

تاریخی را امور تاریخی می‌بیند، متعلق به گونه‌ای خودفریبی است تا وقتی به راستی تفکر به میان نیامده است.

یعنی ما بخواهیم و نخواهیم دیگر، در سنت تاریخی انقلاب اسلامی قرار داریم و آن، همواره به سوی ما می‌آید. و اگر تفکر، تفکر نسبت به سنتی است که ما را در بر گرفته است، هرمنوتیک فلسفی به گفت‌آوردن همان سنت است و این یعنی تفکر دوران. خوشحال باشید که تفکر دوران شما را فراگرفته است و این به همان معنا است که در روایت داریم حبّ علی «علیه‌السلام» آن‌چنان جهت انسان را نورانی می‌کند که ظلمت‌های دوران و گناهان جاری در زمانه‌ی دوران، شخصیت کلی او را از او نمی‌گیرد و فی‌الغور توبه می‌کند. موفق باشید